

## نقش هویت زنان مهاجر مسلمان در کشورهای اروپایی بر همگرایی فرهنگی

سید حمزه صفوی همامی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۷/۳

سید محمد طباطبایی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۸/۲۸

### چکیده

زنان مسلمان، به دلایل مختلف از جمله دلایل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و آموزشی، اجتماعی نظیر وقوع جنگ و یا فرار از فقر و گرسنگی، تبعیت از خانواده و سایر عوامل مهاجرت می‌کنند. هدف این مطالعه شناخت همگرایی زنان مسلمان مهاجر در شهرهای بروکسل و پاریس و تاثیر هر یک از هویت‌های چهارگانه (قومی، ملی، مذهبی، جهانی) بر همگرایی و واگرایی و طرد ایشان می‌باشد.

این پژوهش به روش پیمایشی در جامعه آماری مسلمانان مهاجر در دو شهر پاریس و بروکسل انجام شده است. با توجه به عدم دسترسی به آمار مسلمانان مهاجر برحسب جنسیت، نمونه زنان مسلمان مهاجر مورد بررسی در این مقاله ۲۱۲ نفر از پاسخگویان مونث می‌باشند که برحسب روش نمونه‌گیری گلوله برفی<sup>۳</sup> در جمعیت نمونه قرار گرفته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد، هویت جهانی همان‌گونه که مورد انتظار است با همگرایی رابطه معنادار و مثبت و با واگرایی و طرد، رابطه منفی و معکوس دارد. انسجام درونی و هویت قومی و واگرایی نیز مطابق انتظار با همگرایی، رابطه معکوس دارند. یعنی با افزایش هویت قومی و انسجام درونی و طرد پاسخگویان، همگرایی کاهش می‌یابد و برعکس.

تحلیل رگرسیون متغیرهای تحقیق و مقدار  $R^2$  نشان داد که در کل مدل مقیاس‌ها و معرف‌های هویت قومی، ملی، دینی و جهانی توانسته است حدود ۹۱ درصد از واریانس همگرایی را تبیین کند.  
**کلید واژه:** زنان مسلمان مهاجر، همگرایی، واگرایی، هویت جهانی، هویت دینی، هویت ملی، هویت قومی.

hamzeh.homami@yahoo.com

۱- دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

۲- استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی نور اصفهان

## مقدمه

زنان مسلمان، به دلایل مختلف از جمله دلایل سیاسی، وقوع جنگ و یا فرار از فقر و گرسنگی، تبعیت از خانواده و سایر عوامل مهاجرت می‌کنند. تعداد زیادی از زنان مهاجر، هم از نظر اقتصادی به مردان وابسته هستند و هم قوانین مهاجرت، اقامت آنان را به زندگی با مردان منوط می‌کند. طبق آمار رسمی تعداد زنان مهاجر که در مرزهای کشورهای اتحادیه اروپا به کارهای غیرقانونی اشتغال دارند، ۴۴ درصد و آمار زنان بیکار ۱۹ درصد کل زنان مهاجر در این کشورها می‌باشد. مسلمانان در غرب، اعم از زن یا مرد، مهاجر یا بومی، سکولار یا تازه مذهب، به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر به عنوان بخشی از تاریخچه زندگی خود، تجربه‌هایی از حضور در فضای اسلام و غرب دارند که این امر بخش مهمی از فرآیندهای کنونی خودشناسی را تشکیل می‌دهد.

فرآیند «هویت اروپایی» موضوعی بحث‌برانگیز و در عین حال مبهم می‌باشد و حداقل از دو منظر متفاوت و گاه متضاد بدان پرداخته شده است. این دو منظر می‌تواند تبیین‌کننده نوع کنش مسلمانان نسبت به آن را نیز مشخص کند. از منظر نخست، فرآیندی به شمار می‌آید که با دربرگرفتن هم ابعاد زندگی، ذهنیت‌ها و عینیت‌ها را تحول بخشیده و با انسجام ارگانیکی و تبدیل آن به «مای» بزرگتر اروپایی، تمایل فرهنگ‌ها به اقتباس از یکدیگر را به ارمغان می‌آورد. حال اینکه از منظر دوم، یک‌سان‌سازی هدفمند می‌باشد؛ به طوری که در این میان غرب با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های مختلف بالاخص تکنولوژی ارتباطات ماهواره‌ای و دیجیتالی و ارائه آن به همه افراد در مسیر سردمداری تمدن اطلاعاتی و سیطره‌جویی بر همه فرهنگ‌ها قرار گرفته و از رهگذر یکسان‌سازی فرهنگی و یک‌پارچه‌سازی ارزشی، فرهنگ استعلایی خود را بر دیگران می‌گستراند. بازتاب‌های این دو روند نیز یکی چند فرهنگ‌گرایی و زیست مفاهمه‌آمیز فرهنگی و دیگری تقابل‌گرایی فرهنگی است.

هویت اروپایی اشاره به هویت جهانی دارد و ارتباط آن با سایر هویت‌ها در مطالعات تجربی متعدد مورد بررسی قرار گرفته است. در کتاب مطالعات زنان در اسلام و غرب، پژوهش‌های علمی انجام شده درباره زنان مسلمان در غرب مورد بررسی قرار گرفته است. این حوزه (زنان مسلمان در غرب) یکی از حوزه‌های نوظهور است که تا به امروز مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. در شمار زیادی از پژوهش‌های این حوزه زنان مسلمان به مثابه شیء در نظر گرفته شده‌اند و بسیاری از آنها نیز به بررسی تفاوت‌های زنان مسلمانی متمرکز شده‌اند که در جوامع غربی پذیرفته نشده‌اند. تعداد قابل ملاحظه‌ای از پژوهش‌ها نیز توجه خود را به زندگی خانوادگی و موضوعات مربوط به آن از قبیل: انتخاب همسر، ازدواج و روابط جنسی معطوف کرده‌اند، پژوهشگران این حوزه درباره مسائل مردم‌پسندی مانند تضاد فرهنگ، جوانان، فمینیسم و حجاب نیز تحقیقاتی انجام داده‌اند.

هنگامی که اغلب پژوهش‌ها حول چند موضوع مشخص انجام شوند به خوبی می‌توان الگویی از آنچه به نظر می‌رسد مسائل خاص داخلی هر کشور باشد، به دست آورد. برای مثال پژوهش‌های اروپایی بیشتر به مسئله کارگران و باروری در میان زنان مسلمان و ارتباط آن با نژادپرستی می‌پردازند و در انگلستان پژوهشگران بیشتر دغدغه مسائل قومیت، جوانان، آموزش و خدمات بهداشتی را دارند. خارجی‌ها، کارگران مهاجر و جامعه‌پذیری از مسائل محوری پژوهش‌هایی هستند که در آلمان انجام شده است. این مسئله ممکن است ناشی از این واقعیت باشد که موضوع زنان مسلمان در غرب حوزه تازه‌ای در پژوهش اجتماعی است و اینکه دانشجویانی که اخیراً فارغ‌التحصیل شده‌اند به تازگی پژوهشی درباره مهاجران جدید در غرب را آغاز کرده‌اند. این نکته را نیز باید مدنظر داشت که بسیاری از پژوهش‌های انجام شده به سفارش کنفرانس‌ها و کتاب‌هایی هستند که

موضوع مشخصی دارند و این موضوعات با در نظر داشتن منافع ملی انتخاب می‌شوند.

لیبر و ویسبرگ<sup>۱</sup> در مقاله‌ای با عنوان "جهانی شدن، فرهنگ و بحران هویت" اظهار داشته‌اند که فرهنگ هم‌اکنون در شکل‌های متنوع به عنوان یک ناقل اصلی جهانی شدن و ارزش‌های مدرن عمل می‌کند و عرصه مهم رقابتی را برای هویت‌های محلی، ملی و مذهبی بوجود آورده است. آنها ادعا می‌کنند که از طرف فرهنگ‌های توده‌ای و محلی و کنش‌هایی علیه جهانی شدن و تفوق فرهنگ آمریکایی در سطح جهان وجود دارد که این واکنش‌ها در کشورها و جوامع گوناگون مختلف است. (لیبر و وایزبرگ، ۲۰۰۲)

در این زمینه مقاله‌ای که به قلم باری وارتون<sup>۲</sup> نگاشته شده است. این مقاله تحت عنوان "همگرایی اسلام در اتحادیه اروپا، چشم‌اندازها و چالش‌ها"<sup>۳</sup>، نتیجه می‌گیرد که عنصر تعارض هویتی بین مسلمانان و مسیحیان عمده‌ترین چالش پیش‌روی این دو در آینده تحولات اروپاست.

اراس<sup>۴</sup> نیز در مقاله‌ای تحت عنوان: "چالش بزرگ اتحادیه اروپا: اقلیت مسلمان"<sup>۵</sup> نتیجه می‌گیرد که اروپا در زمینه مسلمانان دچار نوعی سردرگمی هویتی است که با اسلام هراسی همراه است. این گرایش‌ها در برداشت غیرمسلمانان از مسلمانان به چالش همگرایی تبدیل شده است.

دلفور و روکیچ<sup>۶</sup> نشان دادند افرادی که متوجه می‌شوند بعضی از عناصر هویتی آنها به‌گونه‌ای طبقه‌بندی شده است که با تصور آنان از خودشان در تناقض است، دچار احساس نارضایتی می‌شوند. همین احساس، فرآیند تغییر

1- Liber & Weisberg

2-Barrie Wharton

3 -The Integration of Islam in the European Union;Prospects and Challenges

4- Oğuz Uras

5- A Great Challenge for the European Integration: Muslim Minorities.

6- Delfor & Rokeach

هویت را به جریان می‌اندازد و منجر به تغییر و تحول در نظام شخصیتی می‌شود. (دلفور و روکیچ، ۱۹۸۲)

گسترش همگرایی اروپا که در بعد هویتی موسوم به دوره عام‌گرایی فرهنگ اروپایی مشهور است، به یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در مورد تعاملات گروه‌های اجتماعی هویت بنیاد (جنبش‌های نوین اجتماعی به تعبیر ملوچی، تورن و جیمز مدیسون)، طرفداران تداوم هویت ملی و گروه‌های هویتی معارض تبدیل شده است. موضوع اصلی این مناظره نظری بر این اصل استوار است که آیا همگرایی اروپا به‌خصوص در عرصه فرهنگی منجر به هژمونیک‌گرایی فرهنگی نمی‌شود؟ به عبارت دیگر در این فرایند، یک‌سان‌سازی فرهنگی اروپایی بر پایه ارزش‌های برخاسته از سابقه تاریخی و روشنگری، سکولاریسم، اومانیسم و فرآیندهای رادیکال شده شکستن مرزهای تقدسی در نقد بیانی، خرده فرهنگ‌های هویتی چه سرنوشتی خواهند داشت؟ آیا همان‌گونه که برخی از متفکران منتقد چون کاکس معتقدند که فرهنگ اروپایی به سمت حاشیه‌گذاری گروه‌های هویتی متفاوت از خود می‌رود؟ که در این صورت آیا بازتابی چون آرا کاستلز در شکل‌گیری هویت مقاومت به دنبال خواهد داشت؟ و یا اینکه شاهد چند فرهنگ‌گرایی پیشنهادی برایان‌فی در اروپا خواهیم بود که هر گروه هویتی، در عرصه «زیست جهان» با رویکرد خطای باورپذیری خود سعی در مفاهمه دیگری و گریز از نزاع‌های هویتی دارند؟

#### چارچوب نظری

برای فراهم کردن دستگاه نظری مرتبط با شناسایی و تبیین هویت مسلمانان مهاجر در اروپا دو الگوی نظری متنافر، مدنظر قرار گرفته است. از یک‌سو آرای گیدنز در تبیین فرضیه اصلی که فرایند همگرایی اروپایی را منتج به همگرایی هویتی و همزیستی مسلمانان مهاجر با اروپایی‌ها می‌داند، و از سوی دیگر نظریات کاستلز درباره شکل‌گیری هویت‌های مقاومت و برنامه‌دار، برای تبیین

فرضیه عدم‌سازش و واگرایی هویتی مسلمانان مهاجر، در سازمان دادن دستگاه نظری این پژوهش، مد نظر قرار می‌گیرد.

در رویکرد توازی یا همزیستی هویت‌های جمعی خرد و کلان، تأکید بر آرای گیدنز است که البته دیدگاه گیدنز در این مورد متأثر از نظریه ساختاربنندی اوست. وی در مورد مدرنیته و نقش آن در تحولات جهانی اعتقاد دارد که جهانی‌شدن و یک‌پارچگی، واقعیتی غیرقابل‌انکار است. گیدنز با بررسی و نقد دیدگاه‌های تقلیل‌گرایانه و با طرح نظریه ساختارمندی، وابستگی متقابل ساختار و کنش انسانی را مورد تأکید قرار داده است. هویت اجتماعی، مفهومی محوری در نظریه ساختارمندی گیدنز است (جنکینز، ۲۰۰۰، ۱۰).

جهانی‌شدن موجب می‌شود تا فرهنگ‌ها ضمن شناخت خود و تقویت خودآگاهی محلی، به همزیستی فرهنگ و استفاده از میراث مثبت تحول فرهنگ جهانی روی آورند و براساس عقلانیت به سوی آموزه‌های استحکام جهانی، آگاهی محلی و «جهانی‌بیندیش و محلی عمل کن» جهت یابند (گنون، ۱۳۷۸، ۷۶). بنابراین در رویکرد توازی از آمیختگی هویت‌های خرد و کلان سخن به میان می‌آید و آمیزش جهانی‌شدن و منطقه‌ای‌شدن با واژه‌هایی چون واگرایی در عین همگرایی، در چارچوب ارتباط محلی و دیالکتیک جهانی مورد تأکید قرار می‌گیرند.

گیدنز برآن است که تغییر شکل هویت شخصی و پدیده جهانی‌شدن در دوران اخیر را به عنوان دو قطب دیالکتیک محلی و جهانی مطرح کند (گیدنز، ۱۳۸۲: ۵۶). در واقع در این رویکرد، هویت‌های خرد و کلان فرد، هم‌زمان بر فرد وارد می‌شوند و چنان‌که عاملی می‌گوید نمودهایی از ظهور همزمانی‌های فرهنگی و هویتی پدیدار می‌شود (عاملی، ۱۳۸۳).

رویکرد تناقض، تناقض آمیز و همراه با ستیز هویت‌های خرد و کلان عمدتاً در آرای مانوئل کاستلز تجلی می‌یابد. کاستلز معتقد است که هویت برساخته

می‌شود و سازمان دهنده معناست، با این تفاوت که در این بحث کانون توجه او به هویت جمعی است تا هویت فردی. او سه نوع برساختن هویت متمایز را نام می‌برد که عبارتند از (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۴، ۲۵).

۱- هویت مشروعیت بخشی

۲- هویت مقاومت

۳- هویت برنامه‌دار

وی اظهار می‌دارد که هویت مشروعیت بخش توسط نهادهای غالب جامعه ایجاد می‌شود تا سلطه آنها را به کنشگران اجتماعی گسترش دهد و عقلانی کند (همان). بنا به رأی کاستلز هویت مقاومت به دست کنشگرانی ایجاد می‌شود که در اوضاع و احوال یا شرایطی قرار دارند که از طرف منطق سلطه بی‌ارزش دانسته می‌شود یا داغ ننگ بر آنها زده می‌شود. از این رو مبنای این هویت سنگرهایی برای مقاومت و بقا بر مبنای اصول متفاوت یا متضاد با اصول مورد حمایت نهادهای جامعه شناخته می‌شود (توسلی، ۱۳۸۳).

کاستلز بروز چنین واکنشی از طرف اقلیت‌ها به روندهای فوق را ناشی از بی‌قدرتی و عدم امکان کنترل شرایط جهانی از سوی مردم می‌داند، زیرا وقتی جهان بزرگ‌تر از آن می‌شود که بتوان آن را کنترل کرد، کنشگران اجتماعی درصدد برمی‌آیند تا دوباره جهان را به حد و اندازه قابل دسترس خود تکه تکه کنند. وقتی شبکه‌ها، زمان و مکان را محو می‌کنند، مردم خود را به جاهایی متصل می‌کنند و حافظه تاریخی خود را به یاری می‌خوانند. وقتی حفاظت پدرسالارانه از شخصیت فرو می‌پاشد، مردم ارزش متعالی خانواده و اجتماع را به منزله مشیت الهی تصدیق می‌کنند. (کاستلز، ۱۳۸۰، ۸۸).

به نظر کاستلز، پیامد هویت مقاومت، ایجاد اجتماعات<sup>۱</sup> و جماعت‌هاست<sup>۲</sup>. کاستلز این نوع هویت را مهم‌ترین شکل هویت‌سازی جامعه معاصر می‌داند. وی اشکال این نوع هویت را ملی‌گرایی مبتنی بر قومیت و بنیادگرایی<sup>۳</sup> می‌نامد. سومین نوع هویت که کاستلز از آن سخن می‌گوید، «هویت برنامه‌دار» است. این هویت هنگامی مطرح می‌شود که کنشگران اجتماعی با استفاده از هر نوع مواد و مصالح فرهنگی در دسترس هویت جدیدی می‌سازند که موقعیت آنان را در جامعه از نو تعریف می‌کند و به این ترتیب در پی تغییر شکل کل ساخت اجتماعی هستند. در این‌جا، ساختن هویت مقاومت و یا برنامه‌دار توسط مسلمانان، پروژه‌ای برای یک زندگی متفاوت در متن جامعه اروپایی است. (کاستلز، ۱۳۸۴).

### تعریف مفاهیم

#### همگرایی

«همگرایی»<sup>۴</sup> واژه‌ای است که از نظر مفهومی درمقابل «واگرایی»<sup>۵</sup> قرار دارد و نوعاً در حوزه علوم انسانی به کار می‌رود. همگرایی در فرهنگ لغات آکسفورد به دو صورت تعریف شده است:

۱. ترکیب دو چیز در یکدیگر، که یکی بخش تفکیک‌ناپذیر دیگری شود؛
۲. عضویت کامل یک فرد در یک جامعه.

#### هویت

کلمه هویت<sup>۶</sup> ریشه در زبان لاتین دارد و از واژه Idem به معنای «مشابه و یک‌سان» ریشه می‌گیرد. این واژه در یک معنا به ویژگی یکتایی و فردیت،

---

1- Communities  
 2- Communes  
 3- Fundamentalism  
 4- Fntegratio  
 5- Disintegration  
 6- Identity



تفاوت‌های اساسی که یک شخص را از همه کسان دیگر به واسطه هویت «خودش» متمایز می‌کند، اشاره دارد و در معنای دیگر به ویژگی همسانی که در آن اشخاص می‌توانند به هم پیوسته باشند و یا از طریق گروه یا مقولات براساس صورت مشترک برجسته، نظیر ویژگی‌های ملی، قومی، دینی و... به دیگران بپیوندند، دلالت دارد (بایرون، ۱۹۹۷، به نقل از فکوهی، ۱۳۸۰: ۶۳، ۶۴).

### هویت جهانی

فرایند جهانی‌شدن، زمینه‌ساز مرحله‌ای جدید در سازماندهی فضاهای اجتماعی به‌شمار می‌آید. با نفوذپذیر شدن فزاینده‌ی مرزهای اجتماعی و درهم‌تنیدگی جهانی، فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های گوناگون در فضای فراخ جهانی در تعامل با هم قرار گرفته‌اند که با آشکار شدن مسائل مشترک جهانی و گسترش ارزش‌های جهان‌شمول نظیر حقوق بشر، نوعی آگاهی جهانی از وجود و ماهیت دنیا‌های اجتماعی-فرهنگی دیگر به وجود آمده است و با افزایش نسبیّت‌باوری، زمینه‌ای جهانی برای تکوین و بسط فرهنگ‌ها و هویت‌ها در سطوح فرامحلی و فراملی و بسط هویت جهان‌وطنی و شهروندی جهانی فراهم شده است (فیزرستون، ۱۹۹۰، ۶) و (لش، ۱۳۸۰، ۲۹۰-۲۹۳).

### هویت دینی

برخورداری از دین و تعالیم مذهبی مشترک، پایبندی و وفاداری به آن، اعتقاد و تمایل به مناسک و آیین‌های مذهبی فراگیر در فرایند شکل‌دهی هویت ملی بسیار مؤثر است. مذهب علاوه بر اینکه از لحاظ کارکردی عامل مهمی در روابط اجتماعی به حساب می‌آید، موجب دلگرمی، سرزندگی، نشاط و اشتیاق عمومی می‌شود. ضمن آنکه در بسیاری از مواقع مذهب در مفهوم جامعه‌شناختی، با تأکید بر بعد عینی و خارجی آن، با سایر مضامین ملی از جمله دولت، تاریخ و میراث فرهنگی درآمیخته است (حاجیانی، ۱۳۷۹، ۲۰۳).

### هویت ملی

هویت ملی را می‌توان نوعی احساس تعلق به ملتی خاص دانست؛ ملتی که نمادها، سنت‌ها، مکان‌های مقدس، آداب و رسوم، قهرمانان، تاریخ، فرهنگ و سرزمین معینی دارد (گیبرنو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱، ۲۴۳). انتونی اسمیت، هویت ملی را بازتولید و بازتفسیر پایدار ارزش‌ها، نمادها، خاطرات، افسانه‌ها و سنت‌ها می‌داند که جزو عناصر تمایز بخش هر ملتی هستند. احساس تعلق به یک ملت از طریق همین مجموعه می‌باشد و به عبارتی افراد به واسطه اشتراک داشتن در این گونه نمادها و نشانه‌ها، با گروهی از انسان‌ها که ملت نام دارد پیوند می‌یابند و برچسب هویتی می‌خورند (اسمیت، ۲۰۰۰، ۱۸).

### هویت قومی

دو مفهوم قومیت و هویت قومی، پیوند تنگاتنگی با یکدیگر دارند، به گونه‌ای که حتی در دایره‌المعارف معتبر علوم انسانی - اجتماعی، تحت عنوان قومیت از هویت قومی سخن به میان آمده است (کی‌یس<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸، ۲۳۷). قومیت فرایندی اجتماعی و روانشناختی است که به واسطه آن افراد با یک‌گروه و برخی از جنبه‌های هویت و فرهنگ آن گروه پیوند می‌یابد. به دیگر سخن، قومیت نوعی ویژگی و شرایط عضویت گروهی به حساب می‌آید و بر آگاهی از تعلق گروهی استوار است. تمایز گروه از گروه‌های دیگر هم به واسطه نشان‌گرهای نمادین فرهنگی، زیستی و یا سرزمینی و به واسطه تصور وجود گذشته مشترک و منافع مشترک صورت می‌پذیرد (برگس<sup>۳</sup>، ۱۹۷۸، ۲۷۰).

### روش

در پژوهش حاضر، از روش پیمایش مقطعی با دو هدف توصیف و تبیین استفاده شده است. در سطح توصیف، هدف نشان دادن تصویری از سطوح

1- Guibreanu  
2- keyes  
3- Burgess

همگرایی و واگرایی زنان مسلمان مهاجر در اروپا و سطوح هویت جمعی و نوع غالب آن می‌باشد. در سطح تحلیل و تبیین، هدف این پژوهش یافتن روابط بین متغیرهاست.

### جامعه آماری

جامعه زنان مسلمانان مهاجر کشورهای اتحادیه اروپا را به عنوان جامعه آماری مد نظر قرار داده است و به طور خاص به جامعه زنان مسلمان مهاجر مقیم در پاریس و بروکسل خواهد پرداخت. البته آمار رسمی از زنان مسلمان مهاجر در دو کشور فرانسه و بلژیک وجود ندارد.

کشور فرانسه به خاطر طبیعت لائسته سنتی این کشور، تمایز شهروندان را بر اساس مذهب و ایمان منع نموده است، لذا در این مورد یک آمار رسمی که از طرف دولت اعلام شده باشد، وجود ندارد. براساس آمار سایت یورو-اسلام اینفو که از طرف دولت‌های اروپائی اداره می‌شود، به طور تقریبی ۳/۵ الی ۵ میلیون مسلمان در فرانسه زندگی می‌کنند که حدود ۶ و یا ۸/۵ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. لازم به ذکر است از بین رقم یاد شده حدود دو میلیون مسلمان تابعیت فرانسه را کسب نموده‌اند ([www.euro-islam.info](http://www.euro-islam.info)).

دولت بلژیک آمار دقیقی از تعداد مسلمانان ارائه نمی‌دهد و در پاسخنامه‌ها و یا در شناسنامه‌های گزینه‌ای در رابطه با مذهب وجود ندارد. لذا حصول تعداد دقیق مسلمانان در این کشور غیر ممکن بوده و به صورت تقریبی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

در حال حاضر تعداد جمعیت مسلمانان بلژیک را بین ۴۰۰ الی ۶۰۰ هزار نفر ارزیابی می‌کنند که حدود ۴/۶٪ کل جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهد. جوامع مسلمان در بلژیک غالباً شهری بوده و حدود ۴۰٪ تا ۵۰٪ آنها در پایتخت یعنی بروکسل زندگی می‌کنند. (توریکنز، ۲۰۰۷، ۲)

### حجم نمونه

با توجه به عدم دسترسی به آمار مسلمانان مهاجر برحسب جنسیت، نمونه زنان مسلمان مهاجر مورد بررسی در این مقاله ۲۱۲ نفر پاسخگوی مونث می‌باشند که برحسب روش نمونه‌گیری گلوله برفی در جمعیت نمونه قرار گرفته‌اند. بنابراین در تجزیه، تحلیل یافته‌های مربوط به زنان مهاجر مسلمان، این نمونه ۲۱۲ نفری مورد بررسی قرار گرفته است.

### روش نمونه‌گیری

در این پژوهش با به حداکثر رساندن سرشاخه‌های اولیه در نمونه‌گیری گلوله برفی و اعمال سهمیه‌های جمعیتی در میان آنان، دخالت محقق و سوگیری و یکسانی پاسخ‌ها را کاهش یافت. در این تحقیق، دو نمونه در دو شهر بروکسل و پاریس مورد پیمایش قرار گرفت. برای این منظور، در بادی امر، نمونه‌گیری با یافتن ۴۰ نفر در سهمیه‌های مشخص شده در هر شهر اقدام و سپس از آنها خواسته شد برای یافتن زیرشاخه‌های زنان مسلمان در هر یک از این گروه‌ها ما را به آشنایانشان در همان نسبت جمعیتی معرفی کنند.

برخی از افراد مانند ال‌رک وستل به این مفهوم اشاره کرده‌اند که وقتی چارچوب نمونه، عضویت طبقاتی را نشان نمی‌دهد و فهرستی از جامعه در دست نیست، محققان نمونه‌گیری سهمیه‌ای را در نظر می‌گیرند (ال‌رک وستل، ۲۰۱۳:۲۶۷).

### تکنیک و ابزار گردآوری داده‌ها

در تحقیق حاضر نیز از تکنیک مصاحبه و ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌های استفاده شده است. در فرایند این تحقیق در هر یک از متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش، حدود ۱۲۰ گویه تهیه شد که این گویه‌ها از استنباط‌های شخصی، پژوهش‌های پیشین معتبر که به مقولات مورد سنجش پرداخته بودند، نظرات اساتید و دانشجویان دکتری علوم سیاسی و اجتماعی استفاده شد.

پس از گردآوری نیز از پژوهشگران و اساتید نظرخواهی شد، که ضمن پالایش گویه‌ها، ابزار تحقیق به یک اعتبار صوری نیز دست یابد. در مرحله بعد با دستیابی به یک پیش‌آزمون نسبتاً معرف و اجرای پرسش‌نامه، نخست با اجرای ماتریس همبستگی معرف‌ها، به ارزیابی شاخص‌ها پرداخته شد و هم‌چنین تحلیل گویه‌ها، ارزیابی گویه‌ها و تحلیل عاملی انجام شد.

#### روایی و پایایی ابزار گردآوری داده‌ها

سنجش اعتبار درونی شاخص هویت جمعی با محاسبه ماتریس همبستگی دوبه‌دوی معرف‌های هویت جمعی غالب نشان داد که ابعاد مزبور، همبستگی معناداری با هم دارند، در نتیجه بر مبنای این معرف‌ها، شاخص هویت جمعی غالب ساخته شد.

در پژوهش حاضر، برای تحلیل پایایی مقیاس‌های پرسشنامه از ضریب پایایی یا آماره آلفا استفاده شده است.

جدول ۱: ارزیابی گویه‌ها با استفاده از آلفا

نام شاخص	تعداد گویه‌ها	آلفا
همگرایی اروپایی	۷	٪۸۱
همزیستی هویتی	۱۱	٪۶۹
واگرایی اروپایی	۷	٪۷۸
تعارض هویتی مسلمانان (شامل چهارگونه: دینی، ملی، قومی و جهانی)	۲۴	٪۷۲
هویت جمعی غالب	۷	٪۷۳
رفتار دینی	۷	٪۸۸

بنابراین، به توجه به اینکه آلفای به دست‌آمده از ارزیابی گویه‌ها که مقدار قابل قبولی در هماهنگی و پایایی درونی گویه‌های مورد استفاده در سطح سنجش ترتیبی دارد، می‌توان پرسشنامه را دارای پایایی و اعتبار درونی دانست.

## یافته ها

در این فصل به تجزیه و تحلیل یافته‌ها در سه حالت توصیف یا تحلیل یک متغیره و تحلیل دو و چند متغیره پرداخته می‌شود.

### الف- توصیف متغیرها

#### ۱- متغیرهای زمینه‌ای

محل سکونت بیش از نیمی، حدود ۵۷ درصد از پاسخگویان شهر بروکسل و ۴۲/۵ درصد نیز شهر پاریس می‌باشد.

توصیف وضعیت سنی نشان می‌دهد که نما یا بیشترین فراوانی مربوط به رده سنی ۲۱ تا ۳۰ سال می‌باشد که حدود ۳۴ درصد از پاسخگویان را تشکیل می‌دهد و پس از آن رده سنی ۳۱ تا ۴۰ سال با فراوانی ۲۲ درصد قرار می‌گیرد. در مجموع قریب ۶۶ درصد از پاسخگویان در رده سنی زیر ۴۰ سال قرار دارند که نشان می‌دهد جمعیت زنان مسلمان مهاجر به لحاظ سنی بسیار جوان‌تر از جمعیت مردان مسلمان مهاجر می‌باشد. ۱۷/۵ درصد در گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال قرار دارند و تنها ۱۶ درصد از پاسخگویان بالای ۵۰ سال سن دارند.

در زمینه وضعیت تحصیلات، یافته‌ها نشان می‌دهد که نما یا بیشترین فراوانی مربوط به رده تحصیلی فوق‌دیپلم و لیسانس می‌باشد که حدود ۳۰ درصد از پاسخگویان را تشکیل می‌دهد و پس از آن سطح تحصیلی دیپلم با فراوانی ۲۸/۸ درصد قرار می‌گیرد. در مجموع ۵۴/۵ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات عالی می‌باشند که از این میان ۳۰ درصد دارای تحصیلات فوق‌دیپلم و لیسانس و ۱۵ درصد فوق لیسانس و ۹/۴ درصد دکترا می‌باشند.

این مساله می‌تواند مربوط به نوع نمونه‌گیری باشد که بیانگر آن است که زنان مسلمان دارای تحصیلات عالی به بیش از سایر هم‌جنس‌های خود تمایل به مهاجرت دارند.

در زمینه سطح درآمد، یافته‌ها نشان می‌دهد که نما یا بیشترین فراوانی مربوط به رده درآمدی ۱۰۰۱ تا ۲۰۰۰ یورو می‌باشد. ۵۸ درصد از پاسخگویان دارای چنین درآمدی می‌باشند. پس از آن ۱۶ درصد از پاسخگویان دارای درآمد ۲۰۰۱ تا ۴۰۰۰ یورو می‌باشند. ۱۲/۲ درصد از پاسخگویان دارای درآمد کمتر از ۱۰۰۰ یورو می‌باشند و تنها ۴/۷ درصد ایشان درآمد بالای ۴۰۰۰ یورو دارند.

یافته‌های مربوط به مدت مهاجرت، بیانگر آن است که نما یا بیشترین فراوانی مربوط به پاسخگویانی است که بین ۱۱ تا ۲۰ سال سابقه مهاجرت دارند که حدود ۳۳/۲ درصد از جمعیت پاسخگو را تشکیل می‌دهند. پس از آن حدود ۲۲/۸ درصد از پاسخگویان دارای سابقه ۲۱ تا ۳۰ سال مهاجرت می‌باشند. حدود ۲۷/۸ درصد از پاسخگویان دارای سابقه مهاجرت بالای ۳۰ سال می‌باشند و حدود ۱۶/۵ درصد از پاسخگویان نیز سابقه مهاجرت زیر ۱۰ سال دارند. چنانچه ویژگی‌های جامعه نمونه مشابه جامعه آماری فرض کنیم به نظر می‌رسد نسبت به دهه قبل شاهد کاهش نرخ مهاجرت زنان مسلمان به کشورهای اروپایی می‌باشیم. در این مطالعه به بررسی نسل مهاجرت در سه گروه نسل اول یا اجداد، نسل دوم یا والدین و نسل سوم به معنی خود فرد پرداخته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نما یا بیشترین فراوانی پاسخگویان مونث با فراوانی ۴۸/۸ درصد خود اقدام به مهاجرت نموده‌اند در حالی که ۴۵/۳ درصد از این زنان به همراه نسل دوم یا والدین خود مهاجرت نموده‌اند. تنها حدود ۵/۳ درصد نسل اول یا اجدادشان اقدام به مهاجرت کرده‌اند. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت قریب نیمی از پاسخگویان در تصمیم به مهاجرت خود نقش جدی نداشته‌اند.

## ۲- توصیف متغیرهای تحقیق

### ۲-۱ ارزیابی همگرایی زنان مسلمان مهاجر در اروپا

شاخص همگرایی مسلمانان در اروپا به وسیله دو مقیاس عمده پذیرش و عدم تبعیض مسلمانان توسط اروپائیان مورد بررسی قرار گرفته است. هرچه

پذیرش مسلمانان توسط اروپائیان بیشتر باشد نشانه جذب و همگرایی ایشان می‌باشد و هرچه تبعیض مسلمانان توسط اروپائیان بیشتر باشد بیانگر کاهش و یا حتی عدم همگرایی مسلمانان در اروپا می‌باشد. مجموع نمرات دو مقیاس بیانگر همگرایی است که به صورت طیفی است که با روش لیکرت و حاصل مجموع نمرات گویه‌هایی است که به مفاهیمی چون برخورد مناسب دوستان، همکاران و همسایگان اروپایی و رضایت از رفتار ایشان با خود، و یا سایر مسلمانان، دلالت دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد بیشترین فراوانی و بیش از نیمی از پاسخگویان پذیرش مسلمانان را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. ۱۴/۹ درصد از ایشان میزان پذیرش را کم و خیلی کم ارزیابی کرده‌اند در حالیکه ۳۳/۷ درصد از ایشان میزان پذیرش مسلمانان، توسط شهروندان اروپایی را زیاد و خیلی زیاد ارزیابی نموده‌اند. در مقایسه با جامعه مردان پاسخگو یافته‌ها نشانگر آن است که زنان مسلمان مهاجر در زمینه همگرایی و پذیرش جامعه مقصد دارای میانگین‌های بسیار بالاتری در مقایسه با مردان مسلمان مهاجر می‌باشند.

#### ۲-۲- ارزیابی طرد زنان مسلمان مهاجر

مقیاس طرد که به نوعی واگرایی مسلمانان در جامعه اروپا را مورد سنجش و بررسی قرار می‌دهد دارای دو معرف تعرض رفتاری اروپائیان با مسلمانان و تبعیض دینی می‌باشد.

تعارض رفتاری به عنوان یکی از معرف‌های واگرایی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که از نگاه ۳۶/۹ درصد پاسخگویان مونث تعارض رفتاری اروپائیان با مسلمانان در حد کم و خیلی کم می‌باشد و ۳۱ درصد از پاسخگویان مونث این تعارض رفتاری را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند و ۳۲/۱ درصد نیز تعارض رفتاری اروپائیان با مسلمانان را در حد زیاد و خیلی زیاد ارزیابی نموده‌اند. تبعیض دینی به عنوان معرف دوم واگرایی حاصل مجموع نمرات گویه‌هایی است که مفاهیمی نظیر تحقیر مسلمانان، سلب امتیازات



اجتماعی مسلمانان و تجربه اذیت و آزار به دلیل مسلمان بودن را مورد بررسی قرار داده است.

یافته‌ها نشان می‌دهد ۸۴ درصد از پاسخگویان مونث تبعیض دینی را در حد کم و خیلی کم ارزیابی نموده‌اند. ۱۰ درصد میزان تبعیض دینی را متوسط و ۶ درصد نیز میزان آن را زیاد و خیلی زیاد ارزیابی نموده‌اند. همان‌گونه که مشهود است یافته‌های این متغیر با متغیر عدم تبعیض دینی که معرف شاخص همگرایی بود، تناقض دارد. دلیل آن این است که جهت سنجش عدم تبعیض دینی از گویه‌ها و مفاهیم بسیار ملایم‌تری نظیر تلقی کردن دین به عنوان امری شخصی و تاثیر اطلاع از دین فرد و نحوه تعامل با وی و غیره، استفاده شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در بحث تبعیض دینی، مسلمانان تجربه‌های منفی نرم را بیش از تجربه‌های خشونت‌زا و سخت تجربه می‌نمایند.

مجموع نمرات دو طیف تعارض رفتاری و تبعیض دینی مقیاس واگرایی و طرد مسلمانان در اروپا را توضیح می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در مجموع ۵۳ درصد از پاسخگویان مونث میزان طرد مسلمانان توسط شهروندان اروپایی را کم و خیلی کم ارزیابی نموده‌اند و ۳۱ درصد نیز میزان واگرایی و طرد را در حد متوسط و ۱۶ درصد از مسلمانان میزان طرد را زیاد و خیلی زیاد ارزیابی نموده‌اند.

### ۲-۳- توصیف هویت جهانی زنان مسلمان مهاجر در اروپا

سنجش هویت جهانی زنان مسلمان در این مطالعه به وسیله سه معرف: تعلق خاطر به ارزش‌های جهانی، وفاداری به جامعه جهانی و احساس عضویت در جامعه جهانی مسلمانان اروپا مورد سنجش و بررسی قرار گرفته است.

هویت جهانی مسلمانان مهاجر مقیاسی است که حاصل مجموع نمرات سه طیف یاد شده می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که ۲۴/۳ درصد از پاسخگویان هویت جهانی‌شان در حد کم و خیلی کم می‌باشد. ۴۲/۶ درصد نیز در حد متوسط، ۳۳/۱ درصد نیز دارای هویت جهانی در حد زیاد و خیلی زیاد می‌باشند.

#### ۲-۴- توصیف هویت دینی زنان مسلمان مهاجر در اروپا

هویت دینی مسلمانان اروپا توسط سه معرف: تعلق ارزشی به دین، تعلق به اجتماع دینی و نمایش رفتار دینی مورد بررسی و سنجش قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که هویت دینی حدود ۲۲/۲ درصد از پاسخگویان در حد خیلی کم و کم می‌باشد. ۱۶/۵ درصد دارای هویت دینی متوسط و ۶۶/۱ درصد از پاسخگویان نیز دارای هویت دینی قوی می‌باشند.

#### ۲-۵- توصیف هویت ملی زنان مسلمان مهاجر در اروپا

هویت ملی زنان مسلمان مهاجر در اروپا توسط سه معرف: تعلق خاطر به ارزش‌های ملی، وفاداری مشترک ملی و میراث مشترک ملی مورد بررسی و سنجش قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که هویت ملی در ۳۱/۳ درصد از پاسخگویان مونث در حد خیلی کم و کم می‌باشد. ۲۱/۳ درصد دارای هویت ملی متوسط و ۴۷/۱ درصد از پاسخگویان نیز دارای هویت ملی قوی می‌باشند.

#### ۶-۲- توصیف هویت قومی زنان مسلمان مهاجر در اروپا

هویت قومی مسلمانان مهاجر در اروپا توسط سه معرف: تعلق خاطر مشترک قومی، وفاداری مشترک قومی و میراث مشترک قومی مورد بررسی و سنجش قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که هویت قومی حدود ۲۰/۸ درصد از پاسخگویان در حد خیلی کم و کم می‌باشد. ۵۳/۸ درصد دارای هویت قومی متوسط و ۲۵/۵ درصد از پاسخگویان نیز دارای هویت قومی قوی می‌باشند.

#### ۷-۲- توصیف انسجام درونی زنان مسلمان در اروپا

مطابق با نظریه کاستلز، طرد سایر هویت‌ها توسط هویت فرهنگ جهانی موجب پیدایش هویت‌های مقاومتی می‌گردد. با فرض وجود هویت مقاومتی در میان مسلمانان مهاجر در اروپا اقدام به سنجش همگرایی درونی جامعه مسلمانان مهاجر تحت عنوان انسجام درونی نمودیم.

انسجام درونی مسلمانان مقیاسی است که حاصل مجموع نمرات دو معرف تعلق به اجتماع دینی مسلمانان کشورهای مختلف و نیز تعامل سازنده میان مسلمانان مذاهب و ملیت‌های مختلف می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که همگرایی و انسجام درونی میان ۲۱/۷ درصد از زنان مسلمان مهاجر در اروپا در سطح کم و خیلی کم می‌باشد. ۴۲/۹ درصد از زنان مسلمان مهاجر دارای انسجام درونی و همگرایی در حد متوسط می‌باشند و ۳۵/۴ درصد از زنان مسلمان مهاجر دارای همگرایی درونی در حد زیاد و خیلی زیاد می‌باشند.

#### مقایسه هویت‌های چهارگانه

با توجه به اینکه هویت‌های چهارگانه توسط گویه‌های مختلف مورد سنجش قرار گرفته است با انجام معادلات همسان‌سازی نمرات، میانگین نمرات طیف‌های مربوط به هویت‌های چهارگانه را مقایسه نمودیم یافته‌ها نشان می‌دهد که اولویت هویتی برای پاسخگویان مونث به ترتیب عبارتند از:

- ۱- هویت دینی ۲- هویت جهانی ۳- هویت ملی ۴- هویت قومی.

هویت‌های جمعی ماکسیمالیستی بیشتر در زنان مسلمان مهاجر مشهود است که توجیه‌کننده همگرایی بیشتر در جامعه اروپا می‌باشد.

#### ب- تحلیل دومتغیری

محل سکونت، یک متغیراسمی است که بر وجود دو گروه پاسخگو ساکن در شهر پاریس و بروکسل دلالت دارد. جهت یافتن الگوی پاسخگویی برحسب محل سکونت و شناخت تفاوت این دو گروه اقدام به تحلیل واریانس نمودیم. یافته‌ها نشان می‌دهد که، میان همگرایی ساکنین پاریس و بروکسل تفاوت معناداری به نفع ساکنین بروکسل وجود دارد. یعنی مهاجرین مسلمان ساکن در بروکسل بیش از هم‌کیشان ساکن در پاریس مورد پذیرش و همگرایی جامعه مقصد قرار دارند، در حالی که واگرایی و طرد از جامعه اروپایی را مسلمانان ساکن در پاریس بیش از مسلمانان ساکن در بروکسل تجربه می‌نمایند. میان هویت ملی و هویت دینی این دو گروه نیز تفاوت معنادار وجود دارد، به این معنا که مسلمانان ساکن در بروکسل بیش از مسلمانان ساکن در پاریس هویت ملی و دینی خود را حفظ نموده‌اند. این در حالیست که هویت‌های قومی و جهانی آزمون تحلیل واریانس معنادار نبود. در زمینه انسجام درونی نیز تفاوت معنادار به نفع مسلمانان ساکن در پاریس می‌باشد، به این معنا که ایشان بیش از مسلمانان ساکن در بروکسل تمایل به انسجام درونی و ارتباط با سایر هم‌کیشان غیرهموطن دارند. این قضیه به گونه‌ای ملموس موید نظریه کاستلز می‌باشد. به این معنا که در جامعه پاریس با توجه به اینکه پذیرش مسلمانان کمتر و طرد ایشان بیشتر است، ایشان تمایل بیشتری به تشکیل گروه هویتی مقاومتی دارند.

به همین جهت افزایش انسجام درونی، که تقویت هویت اسلامی را در واکنش به رفتار غیردوستانه پارسی‌ها رقم می‌زند.

جدول ۲: تحلیل واریانس مقیاس‌های تحقیق برحسب محل سکونت پاسخگویان						
		مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آزمون F	سطح معناداری
همگرایی	بین گروهی	۲۱/۶۲۶	۱	۲۱/۶۲۶	۵۳/۸۱۲	۰۰۰
	میان گروهی	۲۸۴/۹۳۶	۷۰۹	۴۰۲		
	کل	۳۰۶/۵۶۲	۷۱۰			
واگرایی	بین گروهی	۵/۳۹۱	۱	۵/۳۹۱	۹/۲۳۴	۰۰۲
	میان گروهی	۳۷۰/۷۵۲	۶۳۵	۵۸۴		
	کل	۳۷۶/۱۴۴	۶۳۶			
هویت ملی	بین گروهی	۵/۳۴۷	۱	۵/۳۴۷	۲۲/۹۰۶	۰۰۰
	میان گروهی	۱۰۱/۰۷۰	۴۳۳	۲۳۳		
	کل	۱۰۶/۴۱۶	۴۳۴			
هویت دینی	بین گروهی	۲/۲۵۰	۱	۲/۲۵۰	۵/۲۱۶	۰۲۳
	میان گروهی	۱۶۲/۶۰۰	۳۷۷	۴۳۱		
	کل	۱۶۴/۸۴۹	۳۷۸			
انسجام درونی	بین گروهی	۳۱/۷۹۱	۱	۳۱/۷۹۱	۲۱/۵۲۸	۰۰۰
	میان گروهی	۸۹۱/۹۶۱	۶۰۴	۱/۴۷۷		
	کل	۹۲۳/۷۵۲	۶۰۵			

### همبستگی میان ابعاد و مقیاس‌های تحقیق

- ۱- روند همگرایی اروپایی با طرد مسلمانان، منجر به تعارض مسلمانان با فرهنگ جمعی اروپایی شده است.
- آزمون همبستگی پیرسون این فرضیه را در سطح اطمینان ۹۹ درصد تایید می‌نماید. جهت این رابطه معکوس می‌باشد، به این معنا که هرچه همگرایی و پذیرش زنان مسلمان مهاجر افزایش یابد احساس واگرایی و طرد در ایشان کاهش می‌یابد. البته شدت این رابطه ضعیف می‌باشد. (ضریب همبستگی پیرسون =  $0/260^{**}$ )
- ۲- روند همگرایی اروپایی با جذب مسلمانان، منجر به همزیستی مسلمانان با فرهنگ جمعی اروپایی شده است.
- در این مطالعه منظور از همزیستی با فرهنگ جمعی اروپایی همان هویت جهانی می‌باشد. با توجه به معنادار بودن آزمون، این فرضیه در سطح اطمینان ۹۹ درصد تایید می‌گردد. یعنی با افزایش همگرایی، هویت جهانی پاسخگویان در جامعه اروپا افزایش می‌یابد. اگرچه شدت این رابطه ضعیف می‌باشد. (ضریب همبستگی پیرسون =  $0/187^{**}$ )
- ۳- هویت‌های چهارگانه مسلمانان رابطه معناداری با همگرایی، واگرایی و انسجام درونی ایشان دارد.
- ج- تحلیل چندگانه - رگرسیون
- برای انجام رگرسیون، متغیرهای تحقیق را وارد مدل نمودیم. با استفاده از روش اینتر مدل معنادار به دست آمد.

جدول ۳: خلاصه رگرسیون چندگانه

مدل	آزمون R	ضریب تعیین R2	ضریب تعیین استاندارد	خطای استاندارد
۱	۹۵۵	۹۱۲	۹۰۶	۰.۰۸۹۵

جدول تحلیل واریانس نیز معنادار می‌باشد، یعنی مدل اصلی پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد و کل مدل معنادار می‌باشد.

جدول ۴: تحلیل واریانس

مدل اینتر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آزمون F	سطح معناداری
۱ رگرسیون	۸/۵۲۵	۵	۱/۷۰۴	۱۴۳۰۶۴۳	۰۰۰
۰ باقیمانده	۰/۸۱۹	۶۹	۰/۰۱۲		
۰ کل	۹/۳۴۴	۷۴			

مقدار ضریب رگرسیون، نشان داد که در کل مدل، مقیاس‌ها و معرف‌های هویت قومی، ملی، دینی و جهانی توانسته است حدود ۹۱ درصد از واریانس همگرایی را تبیین کند. کمیت خطای مدل نشان‌دهنده مقدار واریانس متغیری است که متغیرهای متقدم مدل آن را تبیین نکرده‌اند. با مجذور کمیت خط (E) واریانس تبیین نشده به دست می‌آید که در این مدل ۰/۰۸۸ است به عبارت دیگر حدود ۹ درصد از واریانس همگرایی را مدل تبیین نکرده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

در چارچوب نظری این پژوهش با بهره‌گیری از تئوری تعامل‌گرایی نمادین (هربرت مید و پیروان وی) به دلیل تاکید این نظریه بر اهمیت انگاره/ هویت بر تعیین رفتار و نیز درونزاد انگاری نوع تعامل و بسته به بده بستان‌های رفتاری و پرهیز از قضاوت‌های ارزشی پیشینی و برونزاد از رابطه در مورد نوع تعامل و تاکید بر اجتماعی بودن روابط شده است.

بر همین اساس وجود همگرایی و پذیرش مسلمانان از سوی جامعه اروپایی موجب افزایش هویت جمعی و جهانی در مسلمانان فرض گردید. یافته‌های این پژوهش در زمینه همگرایی مطابق با دیدگاه "مید" می‌باشد و فرضیه مورد نظر را اثبات نمود. روند همگرایی اروپایی با جذب مسلمانان، منجر به همزیستی مسلمانان با فرهنگ جمعی اروپایی شده است. با توجه به معنادار بودن آزمون،

این فرضیه در سطح اطمینان ۹۹ درصد تایید می‌گردد. یعنی با افزایش همگرایی، هویت جهانی پاسخگویان در جامعه اروپا افزایش می‌یابد. اگرچه شدت این رابطه ضعیف می‌باشد. (ضریب همبستگی پیرسون =  $0.187^{**}$ )

برای فرضیه عدم سازش و واگرایی هویتی مسلمانان مهاجر، نظریات کاستلز درباره شکل‌گیری هویت‌های مقاومت و هویت‌های برنامه‌دار، برای سازمان دادن دستگاه نظری این پژوهش، مد نظر قرار گرفت. بنا به رأی کاستلز هویت مقاومت به دست کنشگرانی ایجاد می‌شود که در اوضاع و احوال یا شرایطی قرار دارند که از طرف منطق سلطه، بی‌ارزش دانسته می‌شود یا داغ ننگ بر آنها زده می‌شود. از این رو مبنای این هویت سنگرهایی برای مقاومت و بقا بر مبنای اصول متفاوت یا متضاد با اصول مورد حمایت نهادهای جامعه شناخته می‌شود (توسلی، ۱۳۸۳). یافته‌های این پژوهش موید دیدگاه کاستلز می‌باشد زیرا با افزایش واگرایی و طرد جامعه اروپایی نسبت به زنان مهاجر مسلمان انسجام درونی ایشان افزایش می‌یابد.

**فرضیه:** میان واگرایی و طرد جامعه اروپایی با انسجام درونی زنان مسلمان رابطه معنادار وجود دارد.

با توجه به معنادار بودن آزمون این فرضیه در سطح اطمینان ۹۹ درصد، تایید می‌گردد. یعنی با افزایش واگرایی، هویت مقاومتی در زنان مسلمان مهاجر در جامعه اروپا افزایش می‌یابد. یعنی انسجام درونی افزایش می‌یابد، اگرچه شدت این رابطه نسبتاً ضعیف می‌باشد. (ضریب همبستگی پیرسون =  $0.247^{**}$ )

همچنین با افزایش انسجام، تقویت هویت قومی را نیز شاهد هستیم.

میان هویت قومی زنان مسلمان مهاجر در اروپا با انسجام درونی ایشان رابطه معنادار وجود دارد. شدت این رابطه بیش از حد متوسط و قابل ملاحظه می‌باشد.

(ضریب همبستگی پیرسون =  $0.505^{**}$ )



این یافته‌ها همسو با یافته‌های سایر پژوهشگران می‌باشد. یوشینو<sup>۱</sup> با بررسی جامعه ژاپن به این نتیجه می‌رسد که جهانی شدن، هویت‌ها و تفاوت‌های قومی را تقویت کرده است. (یوشینو، ۱۹۹۲: ۳۷-۸)

لیبر و ویسبرگ<sup>۲</sup> در مقاله‌ای با عنوان "جهانی شدن، فرهنگ و بحران هویت" اظهار داشته‌اند که فرهنگ هم‌اکنون در شکل‌های متنوعش به عنوان یک ناقل اصلی جهانی شدن و ارزش‌های مدرن عمل می‌کند و عرصه مهم رقابتی را برای هویت‌های محلی، ملی و مذهبی به وجود آورده است. آنها ادعا می‌کنند که از طرف فرهنگ‌های توده‌ای و محلی، کنش‌هایی علیه جهانی شدن و تفوق فرهنگ آمریکایی در سطح جهان وجود دارد که این واکنش‌ها در کشورها و جوامع گوناگون مختلف است. (لیبر و وایزبرگ، ۲۰۰۲)

**فرضیه:** روند همگرایی اروپایی با طرد زنان مسلمان، منجر به تعارض ایشان با فرهنگ جمعی اروپایی شده است.

آزمون همبستگی پیرسون این فرضیه را در سطح اطمینان ۹۹ درصد تایید می‌نماید. جهت این رابطه معکوس می‌باشد، به این معنا که هرچه همگرایی و پذیرش زنان مسلمان مهاجر افزایش یابد احساس واگرایی و طرد در ایشان کاهش می‌یابد. البته شدت این رابطه ضعیف می‌باشد. (ضریب همبستگی پیرسون =  $0.260^{**}$ )

دو روند متفاوت از گرایشات اسلامی وجود دارد که یکی دارای روابط متخاصم با جامعه غیرمسلمان و دیگری روندی همگراست که هر دو در آینده امکان گسترش را دارد. یافته‌های این مطالعه نیز به نوعی موید دیدگاه فوق است:

**فرضیه:** میان هویت دینی زنان مسلمان مهاجر در اروپا با همگرایی ایشان در جامعه اروپایی رابطه معنادار وجود دارد. شدت این رابطه در حد متوسط و قابل قبول می باشد. (ضریب همبستگی پیرسون =  $0/469$ )

**فرضیه:** میان هویت دینی زنان مسلمان مهاجر در اروپا با واگرایی ایشان در جامعه اروپایی رابطه معنادار وجود دارد، به این معنا که هرچه هویت دینی در زنان مسلمان مهاجر افزایش یابد واگرایی و طرد در ایشان کاهش می یابد. البته شدت این رابطه ضعیف می باشد. (ضریب همبستگی پیرسون =  $0/171$ )

هویت دینی در این مطالعه رابطه مثبت با همگرایی دارد که می تواند به دلیل این باشد که در مقایسه با سایر هویت های مربوط به مسلمانان جنبه عام گرایانه تری دارد.

در این مطالعه به روشنی نقش هویت دینی بر افزایش انسجام درونی مسلمانان اثبات شده است:

**فرضیه:** میان هویت دینی زنان مسلمانان مهاجر در اروپا با انسجام درونی ایشان رابطه معنادار وجود دارد. شدت این رابطه بیش از حد متوسط و قابل ملاحظه می باشد. (ضریب همبستگی پیرسون =  $0/614$ )

یکی از یافته های این پژوهش اثبات ارتباط معکوس میان هویت ملی و همگرایی است.

**فرضیه:** میان هویت ملی زنان مسلمان مهاجر در اروپا با همگرایی ایشان در جامعه اروپایی رابطه معنادار وجود دارد. جهت این رابطه معکوس می باشد، به این معنا که هرچه هویت ملی زنان مسلمان مهاجر افزایش یابد همگرایی و پذیرش از سوی جامعه اروپایی کاهش می یابد. البته شدت این رابطه نسبتاً ضعیف می باشد. (ضریب همبستگی پیرسون =  $0/300$ )

مشابه این مطالعه در تحقیقاتی دیگر مشهود می‌باشد. در این میان تحقیقاتی نیز در رابطه با هویت‌ها در ایران انجام گرفته که اغلب از عوامل تاثیرگذار بر هویت‌ها و اولویت بندی این هویت‌ها سخن گفته‌اند و کمتر به بررسی روابط بین هویت‌های محلی و جهانی پرداخته‌اند. (رجوع شود به حاجیانی، ۱۳۷۹؛ عباسی، ۱۳۸۳؛ آرمی، ۱۳۸۳؛ آقازاده، ۱۳۷۷)

گروهی از پژوهشگران دریافتند که با افزایش هویت جهانی در بین دانشجویان، هویت قومی آنان کاهش می‌یابد. (حبی، فتحی، محمدبخش، ۱۳۸۹)

حمید نساج در تحلیل رابطه جهانی شدن با هویت‌های قومی نشان می‌دهد که جهانی شدن در کوتاه مدت، هویت‌های قومی را برجسته می‌سازد اما در نهایت، به همانندسازی خرده فرهنگ‌ها در فرهنگ مسلط منجر می‌شود. همانندسازی با فراز و فرود همراه است. فرهنگ‌های دارای ویژگی‌های ذیل در فرهنگ مسلط ادغام نمی‌شوند: دارای قدرت و حمایت دولتی و سیاسی، وجود میراث غنی مکتوب، پیوستگی با مذهب، عدم انحصار به یک کشور خاص، وجود پتانسیل‌های جهانی، فرهنگ و زبان خاص (حمید نساج، ۱۳۸۷).

این درحالی است که در این مطالعه میان هویت جهانی و هویت قومی رابطه معناداری به دست نیامد. ارتباط درونی میان هویت‌های چهارگانه بیانگر آن است که تنها هویت قومی با هویت ملی رابطه‌ای معنادار و ضعیف دارد (ضریب همبستگی پیرسون = ۰/۱۴۳).

همچنین در این مطالعه میان هویت ملی و مذهبی رابطه معناداری وجود نداشت درحالی که در سایر مطالعات درون ایران این ارتباط تأیید شده است.

حمید احمدی و حاجیانی در پژوهشی تحت عنوان "دین و ملیت در ایران، همیاری و کشمکش" ارتباط میان هویت ملی و مذهبی در ایران و سایر کشورهای منطقه خاورمیانه را بررسی نموده و به این نتیجه رسیده است که در ایران برخلاف سایر نقاط خاورمیانه، دین و ملیت عناصر اصلی حیات اجتماعی،

فرهنگی و سیاسی می‌باشد و ایرانیان این دو عنصر مهم هویتی خود را در برابر یکدیگر قرار نمی‌دهند. (حاجیان، ۱۳۷۹) بدیهی است مسلمانان مهاجر در اروپا دارای ملیت‌های مختلف و عناصر انسجام بخش مربوط به خود می‌باشند و در درون یک ملیت ارتباط میان مذهب و هویت ملی مشهود می‌باشد. البته این امر در مورد لائیک یا غیرلائیک بودن نظام سیاسی کشورهای مختلف قابل بحث و پژوهش می‌باشد. تحقیقات دیگری نیز بر نقش هویت دینی بر همگرایی اشاره نموده‌اند از جمله رسول افضلی و برزین ضرغامی نشان می‌دهند که تعدد و تکثر قومی در واحدهای سیاسی-فضایی دارای ماهیتی چالش‌آفرین و زمینه‌ساز واگرایی از بدنه اصلی سرزمینی قلمداد می‌شود.

این درحالی است که در جامعه ایران تکثر قومی نه تنها از منابع چالش‌آفرین به شمار نمی‌آید بلکه قوام و پایداری کلیت ایرانی را رقم می‌زند. در این مطالعه در تحلیل بنیادهای پایدار همگرایی عواملی چون، پایداری سرزمینی، مشارکت در ساختار سیاسی، استمرار تاریخی و بنیادهای پایدار فرهنگی حائز اهمیت می‌باشد. برای افزایش همگرایی نیز رفع عوامل واگرایی پیشنهاد شده است. (افضلی و ضرغامی، ۱۳۸۸، ۷۷-۱۰۰)

در این پژوهش میان هویت ملی و همگرایی رابطه معکوس وجود دارد، به این معنا که هرچه هویت ملی زنان مسلمان مهاجر افزایش یابد همگرایی و پذیرش از سوی جامعه اروپایی کاهش می‌یابد. البته شدت این رابطه نسبتاً ضعیف می‌باشد. (ضریب همبستگی پیرسون = \*۰.۳۰۰-)

درحالی که در پژوهشی دیگر که توسط محمد ستوده انجام شده است، جهانی شدن موجب نفوذپذیری مرزها، تحول در هویت‌های ملی و افزایش روابط فراملی می‌شود. کشورهای اسلامی در مواجهه با جهانی شدن ملزم به افزایش تعاملات درونی می‌باشند. در این راستا تصویرسازی مثبت و هماهنگ،

راه موثری در ایجاد ایستارهای همکاری جویانه و همگرایی محسوب می‌شود. (ستوده، ۱۳۸۷)

در نهایت در آزمون مدل پژوهش و متغیرهای مورد بررسی و نیز با توجه به معناداری جدول تحلیل واریانس مدل اصلی پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد و کل مدل معنادار می‌باشد.

مقدار  $R^2$  نشان داد که در کل مدل، مقیاس‌ها و معرف‌های هویت قومی، ملی، دینی و جهانی توانسته حدود ۹۱ درصد از واریانس همگرایی را تبیین کند. کمیت خطای مدل نشان‌دهنده مقدار واریانس متغیری است که متغیرهای متقدم مدل آن را تبیین نکرده‌اند. با مجذور کمیت خط (E) واریانس تبیین نشده به دست می‌آید که در این مدل ۰/۰۸۸ است به عبارت دیگر حدود ۹ درصد از واریانس همگرایی را مدل تبیین نکرده است. این مدل پژوهشی در تبیین موضوع همگرایی زنان مسلمان مهاجر در اروپا بسیار موفق می‌باشد.

#### منابع

- ۱- آقازاده، حسین؛ (۱۳۷۴)، *هویت جمعی بررسی جامعه شناختی ابعاد هویت دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۲- آرمی، آ؛ (۱۳۸۳)، *مطالعه تطبیقی هویت محلی و جهانی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تبریز.
- ۳- افضل‌ی، رسول و ضرغامی؛ (۱۳۸۸)، *تحلیل بنیادهای پایدار همگرایی و متغیرهای اعتباری تهدید قومی در ایران، پژوهش های جغرافیای انسانی*، شماره ۷۰، زمستان ۸۸، صص ۷۷-۹۰.
- ۴- ال‌رک، پاملا ال؛ رابرت وستل، (۱۳۸۰)، *پژوهش پیمایشی: رهنمود ها و استراتژی‌هایی برای انجام دادن پیمایش*، ترجمه: مهر اندخت نظام ستهیدی، اردشیر امیدی محنه و محمود متحد، تهران، نشر آگه.

- ۵- توسلی، غلامعباس و قاسمی، یارمحمد؛ (۱۳۸۳)، هویت‌های جمعی و جهانی شدن، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴.
- ۶- حاجیانی، ابراهیم؛ (۱۳۷۹)، تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، ش ۵، صص ۲۲۸ - ۱۹۳.
- ۷- حبیبی، فتحی و دیگران؛ (۱۳۸۹)، جهانی شدن و هویت‌های محلی و جهانی دانشجویان، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال سوم، شماره ۲.
- ۸- ستوده، محمد؛ (۱۳۸۷)، جهانی شدن و همگرایی کشورهای اسلامی، فصلنامه علوم سیاسی، سال یازدهم، شماره ۲، ص ۸۷.
- ۹- عاملی، سعیدرضا؛ (۱۳۸۳)، دو جهانی‌شدن و آینده هویت‌های همزمان، وبسایت شخصی عاملی به نشانی: <http://ameli-saied.com>
- ۱۰- عباسی، ک؛ (۱۳۸۳)، هویت اجتماعی و عوامل موثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تبریز.
- ۱۱- فکوهی، ناصر؛ (۱۳۸۰)، شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴.
- ۱۲- کاستلز، امانوئل؛ (۱۳۸۰)، قدرت هویت، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- ۱۳- کاستلز، امانوئل؛ (۱۳۸۴)، عصر اطلاعات؛ اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ج دوم، ترجمه: احمد علیقلیان و حسن چاوشیان، ویراستار علی پایا، تهران، طرح نو.
- ۱۴- گنون، رنه؛ (۱۳۷۸)، بحران در دنیای متجدد، ترجمه ضیاءالدین دهشیری، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۵- گیدنز، آنتونی؛ (۱۳۸۲)، تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- ۱۶- لش، اسکات؛ (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی پست مدرنیسم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشرمرکز.
- ۱۷- نساج، حمید؛ (۱۳۸۷)، جهانی‌شدن و هویت اقوام ایرانی، فصلنامه پژوهش و سیاست نظری، زمستان ۸۷، شماره ۵، صص ۱۲۹-۱۵۶.

- 1- Burgess, Elaine. (1978). Symbolic ethnicity: The future of ethnic groups and cultures in America. **Ethnic and Racial Studies** 1 (July): 265-85.
- 2- Castles, S. and et al (1992) **Mistaken Identity**, sydeny: Pluto press.
- 3- Delfor, m & Rokeach, s, B(1982), “**Theories Of Mass Comminucation**”, Longman.U.S.A.
- 4- Featherestone, M(1990), Global comparative analysis of Ethnic Confilict, **International journal of comparative sociology**.
- 5- Guibernau, M(2001), **Globalization and Nation-State**, In Guibernau, M& Hutchinson, j (eds) Understanding Nationalism, Cambridge; Polity press.
- 6- Jenkins, R (2000) (editor) **Questions of Competence: Culture, Classification and Intellectual Disability**, Cambridge: Cambridge University Press, 1998. Contributors: M. Angrosino, T. Booth, W. Booth, C. A. Davies, P. Devlieger, R. Jenkins, N. Lundgren, M. Nuttall, S. van Maastricht, S. R. Whyte
- 7- Keyes,C(1998) Ethnicity, In wothnow, R(eds) **The encyclopedia of politics and religion**, London; Routledge.
- 8- Mead, G.H.(1934), **Mind, Self and and Society**, Chicago: University of Chicago.
- 9- Smith, Anthony D. (2000), *in Nationalism: critical concepts* .political science, London: routledge
- 10- Torrekens, C. ( 2007) “Concentration of Muslim populations and structure of Muslim associations in Brussels”, **Brussels Studies**, No. 4, March.
- 11- Liber, J. R., & Weisberg, E. R. (2002) “Globalization, Culture and Identities in Crisis”, **International Journal of Politics, Culture and Society**, Vol. 16 (2): 273-296
- 12- Yoshino, K. (1992) **Culture Nationalism in Contemporary: A Sociological Enquiry**, London: Routledge